



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

مجموعه سمالات امتحان

عربی دوازدهم انسانی

نظام جدید

فاز امتحان



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : سرخوش، رضا-۱۳۴۴
فاز امتحانی عربی دوازدهم
انسانی دوازدهم /
مؤلف: رضا سرخوش
محمدحسین سرخوش - ۱۳۷۴
تهران: مشاوران آموزش،
۱۳۹۷ .
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۱۴۴-۲ :
۶۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

بارم

مهارت واژه‌شناسی

۰/۵



۰/۵

۰/۵

۰/۵

الف) تَرْجِمَ الكلمات التي تَحْتَهَا حَطَّ:

۱- يا إلهي يا إلهي يا مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ.

۲- قَرَّرَ المزارعُ الحِفاظَ على الأفراخِ و السَّمحاحِ لليوماتِ بدُخولِ مَزَرَعتِهِ.

ب) عَيِّن الكلمات التي لا تُناسِبُ الأخرى:

- ۱- البيئَة الكائنات الحَقْل التقنيَّة
- ۲- محزون خائب مسرور قَلِق

پ) اُكْتَب المترادف أو المتضاد:

- ۱- أَخَذَ ≠ -----
- ۲- السَّنين = -----

ت) اُكْتَب المفرد أو الجمع للكلمات التالية:

- ۱- المَناجِم ← مفرد -----
- ۲- الطَّن ← جمع -----

مهارت ترجمه به فارسی

۰/۵



۰/۵

۱

۱

۱

۱

۱

الف) ترجم العبارات بالفارسيَّة:

۱- اسْتَعْفَرْتُ اللهَ اسْتِغْفاراً.

۲- واخْمِنِي واخْمِ بِلادِي مِنْ سُروِرِ الحادِثاتِ.

۳- ماتَ ألفرد نوبل تاجِرِ المَوْتِ الَّذِي أَصَحَّ عَنبياً مِنْ خِلالِ اِيجادِ طُرُقٍ لِقتلِ المَزيدِ مِنَ الناسِ

۴- يا بَنِيَّ، اِجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزاناً بَينَكَ و بَينَ غَيرِكَ.

۵- يُحَكِّى أَنَّ مزارِعاً كانَتْ لَهُ مَزَرَعةٌ كَبيْرَةٌ فيها خَضاواثُ و أَشجارٌ كَثيرَةٌ.

۶- «وَ لا تَسُبُّوا الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ.»

ب) صَحِّح الأخطاء في التَّرجمَة:

۱- اِنَّ دُنْياكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَى مِنْ وَرَقَةٍ في فَمِ جَرادَةٍ تَقْضُمُها.

«بی گمان دنیایتان نزد من از برگی در دهان ملخی که آن را جویده، کوچک تر است.»

۲- «يا أَيُّها الرِّسُولُ لا يَحْزُنْكَ الَّذينَ يُسارِعُونَ في الكُفْرِ.»

«ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب کرده‌اند، تو را نگران نکنند.»

پ) عَيِّن الصَّحيح في التَّرجمَة:

۱- «وَ جَعَلْنَا السَّماءَ سَقِفاً مَحفوظاً»

الف) و برای آسمان یک سقف استوار قرار دادیم.

ب) و آسمان را سقفی نگه داشته شده قرار دادیم.

۲- كُلُّ وِعاءٍ يَضيقُ بما جَعَلَ فيه إِلا وِعاءَ العِلمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ

الف) هر ظرفی درون آن چیزی قرار داده می‌شود، تنگ و کوچک می‌شود جز ظرف دانش که بزرگ می‌شود.

ب) هر ظرفی از آنچه درون آن قرار داده شود، کوچ و تنگ شود مگر ظرف دانش که بزرگ و وسیع می‌شود.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۱



۱

الف) عَيِّن اسمَ الحروفِ المشبَّهَة و خبرها ثمَّ اذْكَرْ اعرابَهُما:

«لَيَعْلَمَ الإنسانُ أَنَّ جميعَ الكائناتِ مسخَّرةٌ له.»

ب) عَيِّن اسم «لا» النافية للجنس و خبرها:

«لا لباسَ أَجْمَلُ مِنَ التَّقوى»

پ) اَكْمِل الفراغ بما يُناسِبُه:

۱- لِيَتَنى ----- كى أَساعِدَ الضُّعفاءَ. (قويًا - قويٌّ)

۲- ليسَ الاعداءُ ----- أَنْ يَتَسَلَّطُوا عَلينا. (قادرينَ - قادرُونَ)

۲- «الطن» — جمع — «الأطنان»

مهارت ترجمه به فارسی

(الف) ۱- از خدا بی گمان آمرزشی خواستم. (از خدا بی گمان طلب آمرزش کردم).

۲- از من و کشورم از شر حوادث نگهداری کن. (مراقبت کن).
۳- آلفرد نوبل تاجر مرگ کسی که از ایجاد راه‌هایی برای کشتار زیاد مردم پولدار شد، مرد.

۴- پسر دلبندم، خودت را میان خویشتن و دیگری همچون ترازویی قرار بده.

۵- حکایت می‌شود که کشاورزی مزرعه بزرگی داشت که در آن سبزیجات و درختان بزرگی بود.

۶- و به کسانی که غیر از خدا را فرامی‌خوانند دشنام ندهید که به خدا دشنام دهند.

(ب) ۱) بی‌گمان دنیایان نزد من از برگی در دهان ملخی که آن را می‌جود، پست‌تر است.

۲) ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را اندوهگین سازند. (تو را ناراحت نکنند).

(پ) ۱- ب) و آسمان را سقفی نگه‌داشته شده قرار دادیم.

۲- ب) هر ظرفی از آنچه درون آن قرار داده شود، کوچک و تنگ می‌شود مگر ظرف دانش که بزرگ و وسیع می‌شود.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

(الف) آن: از حروف مشبّهة بالفعل * جمیع: اسم آن و منصوب * مُسَخَّرَةٌ: خبر و مرفوع

(ب) لا: نفی جنس * لباس: اسم لا و منصوب * أَجْمَلُ: خبر لانی جنس و مرفوع

(پ) ۱- قوی ۲- قادرین ۳- مبتسمات ۴- المجدین

(ت) إبتسامة: مفعول مطلق نوعی و منصوب

(ث) آخداً: مستثنی منه در نقش مفعول * المعلمین: مستثنی و منصوب

(ج) ۱- تنها خدا را عبادت کنید.

۲- معلم آمد در حالیکه به زبان عربی سخن می‌گفت.

(چ) ۱- ظلم: جمع مذکر و مفرد آن ظلمة است. * اللیالی: جمع مکسر و مفرد آن اللیل است. * إَجْعَلْ: فعل امر (للمخاطب)

۲- مظلوماً: حال و منصوب * سلطاناً: مفعول و منصوب

(ح) علماء: منادای مضاف و منصوب

(خ) ۱- الله: اسم، معرب، اسم علم / فاعل و مرفوع

۲- الناس: اسم، مُعَرَّف، معرَّب بـ «أل» / مفعول و منصوب

مهارت درک و فهم

(الف) ۱- بَعَثَ — به معنای — «ناگهان» = فَجَاءَ

۲- «يَتَظَاهَرُ» — فعل مضارع من باب «تَفَاعُل» في صيغة «للغائب (مفرد مذکر غائب)»

۳- «عن عُشَّها» — عُشَّها: مجرور به حرف جر * المفترس: صفت و مرفوع

(ب) ۱- النُّحاس — «مس»

۲- النَّقَّ — «تونل»

۳- الخُفَّاشُ — به معنای — «خفاش»

۴- اللَّحْمُ — به معنای — «گوشت»

مهارت مکالمه

(الف) ۱- أُسَافِرُ بِسَيَّارَتِي عَادَةً.

۲- أُحِبُّ جَامِعَةَ الطَّهْرَانِ.